

تبیین جایگاه مربی در کاربست مشاوره فلسفی و آثار تربیتی صفایی حائری

انسیه محمدی نیک^۱، فهیمه خوشخو^۲، دکتر طاهره جاویدی^۳

چکیده

یکی از مسائل مهم انسان‌ها، نیاز به فراروی از زندگی کنونی و درک مسائل بنیادین آن می‌باشد. هدف پژوهش پیش رو، معرفی تأمل فلسفی به عنوان راه حل این مسئله می‌باشد. این پژوهش با توجه به نقش بی‌بدیل مربی در فرآیند تعلیم و تربیت و با استفاده از روش تحلیل و توصیف آثار تربیتی استاد علی صفایی حائری و منابع مشاوره‌ی فلسفی، در بخش اول همراه با معرفی اسارت‌ها به عنوان یکی از مهمترین علل محدودیت‌های انسان، راه‌هایی و تجربه‌ی زندگی آکنده را حرکت و رهایی از پیرامون (جهان محدود و درگیر با اسارت‌ها)، از طریق تأمل فلسفی بیان می‌نماید. جریان تأمل فلسفی انسان با شناخت حاصل از تدبیر، تفکر و تعقل و اشتیاق برآمده از این آگاهی آغاز می‌گردد. در بخش دوم این نوشتار با تمرکز بر جایگاه مربی به معرفی مربی برانگیزاننده به عنوان مربی هم طراز با این نگاه پرداخته و با ذکر جلوه‌هایی از اسارت‌های او، سعی در بیان لزوم حضور مربی راه‌رفته (خود از اسارت‌ها رها شده) در کنار متربی، در پیمودن این مسیر دارد. او با در نظر گرفتن پیرامون منحصر به فرد متربی و طرح سوالات اساسی به منظور حرکت فکر و رساندن متربی به خودراهبری، مراحل از جمله: شناخت عظمت وجودی خود (اشاره به این نکته که فقط ساخته شده‌ها می‌توانند سازنده باشند)، شناخت محبوب و سپس دستگیری از دیگران را می‌گذراند.

کلمات کلیدی: مربی، برانگیزاننده، خودراهبری، تأمل فلسفی

^۱ دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد mohamadi.nik90@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد fahime.khoshkhou@mail.um.ac.ir

^۳ دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فردوسی مشهد tjavididi@um.ac.ir

بیان مسئله

در دنیایی که علم برای علم، جای خویش را به علم برای بهره سپرده، علم به جای فلسفه نشست و صنعت و تکنولوژی، زندگی روزمره‌ی انسان‌ها را تحت سیطره‌ی خویش قرار داد و سرعت پرشتاب علم و فناوری، انسان مدرن را نسبت به خود واقعی‌اش غافل‌تر نموده است. او تنها در لحظات کوتاهی ممکن است درگیر تأملاتی نسبت به خود شود، ولی بلافاصله به واسطه‌ی روزمرگی‌ها دوباره از آن دور می‌شود. این غفلت در طولانی مدت حالتی از یأس، خستگی، حس بی‌په‌ودگی و پوچی را برای او ایجاد می‌کند و نهایتاً او در نقطه‌ای از زندگی از حرکت می‌ایستد و به دنبال راهی برای خارج شدن از این حالت بر می‌آید. در این حالت او در پی گمگشته‌ای می‌گردد و حس اشتیاقی جهت یافتن آن در خود احساس می‌کند که تا آن را یافت نکند، آرام نمی‌گیرد. گویی این حس هیاهو و جستجو برای یافتن خود واقعی و اصیل در هر انسانی، در هر جایگاه فردی و اجتماعی که قرار داشته باشد بالاخره به وجود می‌آید و او را راحت نمی‌گذارد. در این وضعیت ندای درونی‌اش صدای حساسیت‌ها و آرزوهای شخصی عمیق فرد است که به او می‌گوید برای فراتر رفتن از زندگی کنونی لازم است کاری انجام شود (لاهاو، ۲۰۲۱، ۱۳۹۹).

از سویی دیگر با نظر به محدودیت عمر انسان، احتمال انتخاب راه‌های اشتباه و همچنین ضررهایی که زندگی بدون تأمل بر انسان تحمیل می‌کند، نیاز به راهنمایی که بتواند او را در این مسیر هدایت کند، ضرورت می‌یابد.^۴ با خوانش جایگاه مربی در آثار صفایی حائری در می‌یابیم مربی اصیل در این نگاه به دنبال تربیتی است که مربی را کمک نماید تا با شناخت از خود و تأمل بر ویژگی‌های شخصی خود، راهی برای رشد و فرا رفتن از وضعیت فعلی خویش بیابد (صفایی حائری، ۱۴۰۲). انسان با چنین شناختی، میلی درونی به سفر و حرکت در خویش احساس می‌نماید. در این مسیر فرد به راهنمایی نیاز دارد تا با گام‌هایی سنجیده، او را درگیر *تأمل فلسفی*^۵ کند و نهایتاً به مقصد برساند. چرا که این تأمل فلسفی است که فرد را به مسائل بنیادی زندگی از عمق درونی^۶ خود توجه می‌دهد و تا راه حلی برای مشکلات زندگی بیابد (لاهاو، ۲۰۱۸؛ Fischer ، ۲۰۱۱). زمینه‌ی چنین اقداماتی را می‌توان در *کاربست مشاوره‌ی فلسفی*^۷ که هدف اصلی آن رساندن افراد به خود راهبری^۸ است، مشاهده کرد.

۴ هَلْكَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَكِيمٌ يَرْشِدُهُ... (بحار الانوار، دار احیاء التراث، ج ۷۵، ص ۱۵۹)

^۵ Philosophical reflection

^۶ Inner depth

^۷ Practice of philosophical counseling

^۸ Self- leadership

با توجه به نیاز گسترده انسان به آکندگی^۹ و خودبالندگی^{۱۰} و نقش بی بدیل راهنما در فرآیند رشد شخصی^{۱۱}، خودنگری^{۱۲} و خوددگرگون‌سازی^{۱۳} افراد، بر آن شدیم تا با بررسی مطالعات حوزه‌ی مشاوره‌ی فلسفی (جایگاه مشاور در روند کاربست فلسفی) و خوانش آثار تربیتی استاد صفایی حائری (جایگاه مربی)، تصویری از مربی رشد دهنده و سازنده را با عنوان مربی برانگیزاننده ارائه نماییم. کمک به مربی جهت رسیدن وی به خود راهبری به عنوان هدف اصلی مربی، مفهوم پر کاربردی است که صفایی حائری آن را مسئولیت مربی و کاربست مشاوره‌ی فلسفی آن را وظیفه‌ی فیلسوف می‌داند. البته در طول تاریخ فاصله‌ای بین این دو (معلم و فیلسوف) وجود نداشته است (Gouleta، ۲۰۰۶). مأموریت فلسفه در این نگاه فهماندن سطحی و محدود بودن جهان روزمره و گام نهادن در فراسوی مرزهای تنگ و رسیدن به واقعیتی بزرگتر است (لاهاو، ۱۳۹۹). برای دستیابی به این هدف، نویسندگان این نوشتار برآنند تا با استفاده از روش تحلیل و توصیف اندیشه‌های تربیتی صفایی حائری و اندیشمندان حوزه‌ی مشاوره‌ی فلسفی، از جمله ران لاهاو^{۱۴} و پیتر بی راب^{۱۵} به تفسیری آگاهی بخش از جریان به دام افتادن انسان (در اینجا به طور ویژه مربیان) در ادراک پیرامونی خویش و شنیدن ندای درون برای رهایی از غار افلاطونی خود و حرکت به سوی بارقه‌های امید ارائه دهد. همچنین دستاوردهای این نوع نگاه در مربی مورد واکاوی قرار گرفته و با برشماری ویژگی‌هایی از مربی هم‌طراز با این رویکرد، به معرفی مربی برانگیزاننده خواهیم پرداخت.

بخش اول: محدودیت‌ها و فراروی

• اسارت‌ها

افلاطون با استفاده از تمثیل غار معروفش، انسان‌ها را همچون غارنشینانی می‌داند که گرفتار ادراک محدود خود از جهان هستند و از واقعیت بزرگتر و کامل‌تر خود غافل می‌باشند. در این زمینه لاهاو اشاره می‌کند که مأموریت فلسفه همین است که سطحی و محدود بودن جهان را به فرد بفهماند و مشاور فلسفی کسی است که به مراجع کمک می‌کند که غار خود را درک و به دنبال رهایی از مرزهای تنگ آن باشد (لاهاو، ۱۳۹۹). صفایی حائری زنجیرهای غار افلاطونی را با عنوان اسارت ذکر نموده و آنها را نیروهایی در این جهان می‌داند که انسان را به سمت خود کشیده و شامل غریزه‌ها، میل‌ها، حرف‌های مردم و جلوه‌های دنیا است. علاوه بر این نیروهای درونی، انسان گرفتار نیروهای بیرونی همچون دشمنی شیطان است که با اغوا نمودن، عامل در هم پیچیدگی بیشتر اسارت‌های اوست و رهایی از آنها را برای فرد سخت‌تر می‌کند (صفایی حائری، ۱۴۰۲). بنابراین آنچه گفته شد، انسان همواره زندانی محدودیت‌های خود بوده و برای غلبه بر آنها به شناخت مرزهای محدود

^۹ Fullness

^{۱۰} Self- development

^{۱۱} Personal development

^{۱۲} Self-reflection

^{۱۳} Self-transformation

^{۱۴} Ran Lahav

^{۱۵} Peter B. Robb

جهان خود نیازمند است. پیرامون^{۱۶} اصطلاحی است که ما را در این شناخت کمک می‌نماید. راجع به مفهوم پیرامون، اندیشمندان مختلف از نظرگاه‌های مختلف سخن گفته‌اند که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

• پیرامون

برخی صاحب‌نظران پیرامون را بخش ناهشیار ذهن، تعبیر و از آن با عنوان انگاره^{۱۷} نام می‌برند (قراملکی؛ ناسخیان، ۱۳۹۵). در نگاه صفایی حائری، این مضمون با عنوان اسارت‌های بیرونی (محیط، طبیعت، وراثت، تربیت «استفاده از عادت، تقلید، شعارزدگی، داغ کردن، تلقین و تکرار» و وسوسه‌های شیطانی) و اسارت‌های درونی (جبر فکر، عقل و غریزه) نام برده شده است (صفایی حائری، ۱۴۰۲). لاهاو با استفاده از اصطلاحاتی چون مرزهای محدود جهان من و نوع ادراک من از جهان سعی دارد با طرح تعبیر افلاطون به غار من به توضیح یک سلسله ادراک‌هایی که عمدتاً از طریق عقاید آشکار فرد بیان نمی‌شوند، بلکه از طریق رفتارهای عادت‌ی، هیجان‌ها و حالت‌های افراد آشکار می‌شوند، بپردازد و به این طریق ماهیت دوگانه‌ی جهان اطراف ما را به تصویر کشیده؛ چرا که از طرفی این جهان اطراف ما نشان از ناحیه‌ی امن و آسایش هر فرد دارد و از سوی دیگر بر بسته بودن، مرز و محدودیت جهان اطراف حکایت دارد. پیرامون مشخص می‌کند چه موقعیت‌هایی احتمالاً بارها و بارها در زندگی ما تکرار می‌شوند. لاهاو یکی دیگر از ویژگی‌های پیرامون را امری نسبتاً انعطاف‌ناپذیر عنوان نموده و معتقد است به راحتی قابل تغییر نیست (لاهاو، ۱۳۹۹).

در باب چگونگی شکل‌گیری پیرامون در افراد مختلف، مشاوره‌ی فلسفی آن را نتیجه‌ی فرآیندهای گوناگون روان‌شناختی در درون و بیرون فرد می‌داند و معتقد است بررسی این فرآیند بر عهده‌ی روانشناسان و روان‌کاوان است. اما صرف‌نظر از فرآیندهای پیچیده‌ی پدیدآورنده‌ی پیرامون و نحوه‌ی شکل‌گیری و چگونگی رهایی از آن، در تأمل فلسفی حائری اهمیت است^{۱۸}. تأمل فلسفی با ایجاد درک جدید و بررسی زندگی روزمره و حذف محدودیت‌ها و جهت‌گیری جدید نسبت به زندگی، فرد را به فراروی از زندگی عادی سوق می‌دهد (لاهاو، ۲۰۱۸). صفایی حائری رمز رهایی از پیرامون را وجود نیروهای متضاد درونی و بیرونی، رقابت بین آنها و هماهنگ شدن آنها می‌داند و به این ترتیب، فرآیند تأمل فلسفی و جریان خروج انسان از غار پیرامون خود را از طریق ارتباط بین شناخت^{۱۹}، طلب (عشق، احساس) و ورزیدگی می‌داند و معتقد است تلاقی این سه عامل در کنار هم منجر به عمل فرد می‌شود (صفایی حائری، ۱۴۰۲).

^{۱۶} Perimeter

^{۱۷} Image

^{۱۸} چنانچه مشاوره‌ی فلسفی بررسی پیش‌فرض‌های پنهان زندگی هر فرد و به طور کلی جهانی‌ی اوست (پور آقا؛ قائدی، ۱۴۰۰)

^{۱۹} مراحل شناخت شامل: تدبر (زیر و رو کردن حوادث زندگی)، تفکر (سازماندهی اطلاعات) و تعقل (سنجش و ارزیابی)

• حرکت: فراروی از اسارت و پیرامون

چنانچه پیش‌تر نیز اشاره گردید، کاربرست مشاوره‌ی فلسفی باور دارد که تأمل فلسفی از طریق بررسی مسائل بنیادین زندگی، بررسی شالوده‌ی حالت‌های روزانه‌ی فرد (الگوهای تکرارشونده) و... می‌تواند به یادآوری حس اشتیاق درونی و حرکت به فراسوی مرزهای محدود زندگی فرد کمک نماید^{۲۰} (لاهاو، ۱۳۹۹). حرکت، مضمونی است که صفایی حائری برای خروج از غار در نظر می‌گیرد. با برآیندی که از منابع مورد مطالعه داشتیم، مراحل زیر به عنوان مراحل حرکت مربی و به حرکت آوردن متربی^{۲۱} قابل احصاء می‌باشد.

در مرحله‌ی اول لازم است فرد به عظمت خود شناخت پیدا کند. این آگاهی از طریق شناخت استعدادها و توانایی‌های^{۲۲} او حاصل می‌گردد که منجر به شناخت نیازهای جدید می‌شود. شناخت نیازهای جدید همراه با درک محدودیت‌های دنیای بیرون، آغازگر سفر فرد به دنیای درون است^{۲۳} (صفایی حائری، ۱۴۰۲). به این صورت، در فرد عشق به سرشار شدن ایجاد شده و این اشتیاق او را به حرکت و رسیدن به آزادی وا می‌دارد. صفایی حائری دنیای درون را بسیار بزرگ توصیف نموده و بیان می‌کند؛ "هستی بزرگتر و بزرگتر از هستی در آن جای گرفته است"^{۲۴} (همان، ص ۱۴۱). مسیر طی این مرحله را می‌توان در قالب پنج گام مطرح نمود: خودشناسی، خودسوزی (پاکسازی و تزکیه)، کشف نقاط ضعف و تسلط بر آنها، کشف استعدادها و نقاط قوت و تقویت آنها و انقلاب درونی (صفایی حائری، ۱۴۰۲). نکته‌ی قابل تأمل، تأکید صفایی حائری بر لزوم ورزیدگی و مهارت‌آموزی در این راه می‌باشد. در این رابطه ایشان از افرادی نمونه می‌آورد که به شناخت رسیده‌اند و حتی شعله عشق و شور و شوق در آنها زبانه کشیده است؛ ولی چون ورزیدگی ندارند، این آگاهی و عشق منجر به عمل نمی‌شود^{۲۵} (همان).

در مرحله‌ی بعدی لازم است فرد به شناخت محبوب، شناختی که محرک حرکت‌های اوست، دست یابد (همان). این مرحله متضمن هدف کلی زندگی انسان یعنی عبودیت است که بر اساس تعریفی که صفایی حائری ارائه می‌دهد، شناخت مهم‌ترین حرکت در لحظه، نظارت بر محرک‌ها (حرکت جز برای خدا نباشد) و رهایی از اسارت‌ها است (همان).

^{۲۰} بررسی روزمره در نگاه صفایی حائری با عنوان تدبر ذکر می‌گردد.

^{۲۱} به حرکت در آوردن متربی منوط به حرکت مربی است (صفایی حائری، ۱۴۰۲)

^{۲۲} با شناخت استعدادها و توانمندی‌ها، فرد به وظایفش اشراف پیدا می‌کند. نوع مسئولیت افراد، وابسته به اهمیت کارها، ضرورت نیازها (شدیدترین نیازها) و توانمندی‌ها (دارایی‌ها) در نظر گرفته می‌شود (صفایی حائری، ۱۴۰۲)

^{۲۳} سفری که در آن انسان به دنبال فراتر رفتن از زندگی کنونی (زندگی آکنده) است (لاهاو، ۱۳۹۹)

^{۲۴} اشاره به سخن حضرت علی (ع): می‌پنداری جسم کوچکی هستی در حالی که جهان بزرگی در توست (صفایی حائری، ۱۴۰۲)

^{۲۵} این ورزیدگی‌ها شامل توانایی و مهارت خوب شنیدن، خوب دیدن، توانایی توجه به اشتباهات منطقی در استدلال (مغالطات) و... تا توسعه بخشیدن به توانایی‌های اندیشیدن فلسفی (مهارت‌ها و ابزارهای استدلال فلسفی) را شامل می‌گردد.

در ادامه، فرد رها شده از اسارت‌ها، دیگران را که اسیر همان اسارت‌های او هستند، دستگیری می‌نماید. در این مرحله، او با همراهی فرقان^{۲۶} می‌تواند روحیه‌های مختلف را شناسایی کند و کمک نماید تا مرتبی با اسارت‌های مختلف درونی و بیرونی درگیر شده و در این راه تا رسیدن به هدف، استقامت ورزد (صفایی حائری، ۱۴۰۲).

بخش دوم: مربی برانگیزاننده

مراحلی که گذشت، در مشاوره‌ی فلسفی با عنوان وظیفه‌ی فیلسوف (به در آمدن از غار و سپس بازگشت به غار و کمک به دیگران جهت رهایی آنها) بیان شده است. با توجه به محدودیت زمان و پر خطر بودن بهره‌گیری از تجارب متعدد، مرتبی باید از وجود مربی راه رفته^{۲۷} برای رسیدن به مطلوب‌ترین راه^{۲۸} بهره‌گیرد (صفایی حائری، ۱۴۰۲؛ لاهاو، ۱۳۹۹).

• لزوم بهره‌گیری از راهنما

در بخشی از کلام امام علی (ع) آشکارسازی گنجینه‌های دانش نهفته در درون عقل‌ها یکی از اهداف عمده از بعثت انبیاء بیان شده است^{۲۹} و در شرح این فراز بیان می‌شود، غفلت، تعلیمات غلط، گناهان و آلودگی‌های اخلاقی، این گنجینه‌ها را مستور داشته‌اند (مکارم شیرازی) و انبیاء به عنوان مربیان بزرگ انسان‌ها وظیفه دارند این گنجینه‌ها را آشکار نمایند. همانطور که واضح است، تمام سه عنوانی که ما در این نوشتار به آنها اشاره نمودیم در این یک جمله نهفته می‌باشد. امام (ع) در این روایت از طرفی به اسارت‌ها و پیرامون اشاره دارند و از طرفی به لزوم حرکت و تلاش برای آشکار شدن گنجینه‌ها توجه نموده‌اند. ایشان از برانگیزانندگی (اثاره) به عنوان ویژگی مربی که به مرتبی خود کمک می‌کند تا از اسارت‌های خود رها شود اشاره می‌کند. مربی برانگیزاننده نقش راهنمایی را دارد که با توجه به علل زمینه‌ساز مستور شدن گنجینه‌ها، مرتبی را متوجه احساس محبوس بودن در دام اسارت‌ها کند^{۳۰} و ضمن بیزاری از آن، حس نیاز به رهایی در او ایجاد شود.^{۳۱} در

^{۲۶} فرقان به عنوان نیرویی که روحیه‌ها را از یکدیگر جدا می‌کند و وضع و زمینه و طرز برخورد را مشخص می‌نماید و البته موهبتی از ناحیه‌ی خداوند نسبت به مراعات‌کننده‌ی تقوا و اطاعت الهی است. صفایی حائری ارتباط تقوا و فرقان را به این صورت توصیف می‌کند: "با طرح سوال، حرکت فکری آغاز می‌شود و با حرکت فکر به شناخت‌ها می‌رسیم و با این شناخت‌ها به عشق‌ها و لطافت‌های روحی و با این عشق و لطافت به اطاعت و تقوا و به این ترتیب به مربی مجهز به سلاح تقوا فرقانی داده می‌شود تا با آن روحیه‌ها را از هم بازشناسد (صفایی حائری، ۱۴۰۲)

^{۲۷} هر کس می‌تواند و باید از همان راهی که خود ساخته شده و به آگاهی رسیده دیگران را بسازد و به آگاهی برساند.

^{۲۸} مرتبی باید هم راه برود (با وجود سختی از حرکت نایستد) و هم از راه برود (شروع صحیح) و در راه شروع کند (مسیر درستی را برای خروج پیدا کند)؛ چرا که رفتن تنها بدون نتیجه است (صفایی حائری) و در صورتی که راه را اشتباه رود، گرفتار غار دیگری خواهد شد (لاهاو، ۱۳۹۹)

^{۲۹} ... فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ... وَبَيَّنُّوا لَهُمْ دَفَاتِنَ الْعُقُولِ... (نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، خطبه ۱)

^{۳۰} مربی با فراهم نمودن زمینه‌های تدبیر، توجه مرتبی را به اندیشه‌های مدفون خود جلب می‌کند.

^{۳۱} صفایی حائری تأکید دارد به علت طولانی بودن و سختی راه، تا زمانی که مرتبی به این سطح از درک نرسد، قطعاً در راه می‌ماند (صفایی حائری، ۱۴۰۱)

گام بعدی زمینه‌ی رهایی از اسارت‌ها (آزادی دادن)^{۳۲} را فراهم نماید و سپس برای خروج (به آزادی رساندن) متری را کمک نماید.

مربی در تمام طی این مسیر توجه دارد که متری با درون‌نگری و توجه به توانایی‌ها بتواند در این مسیر به خودراهبری برسد (صفایی حائری، ۱۴۰۲؛ لاهو، ۱۳۹۹). این مفهوم در مشاوره‌ی فلسفی به عنوان وظیفه‌ی فیلسوف در راهبری مراجع و در نگاه صفایی حائری به عنوان نقش مربی در جهت‌دهی به استعداد‌های تکامل یافته‌ی فرد مشاهده می‌شود؛ به طوری که تنها تکامل استعدادها مد نظر نیست، بلکه متری باید توانایی جهت‌دهی به آنها را داشته باشد (صفایی حائری، ۱۴۰۲). بنابراین وجود مربی در کنار متری جهت شناخت اسارت‌ها، محدودیت‌های پیرامون و حرکت او ضروری است. با استفاده از منابع مشاوره‌ی فلسفی، خودراهبری، رسیدن به توانایی اندیشیدن درباره‌ی اصول بدیهی که با آنها زندگی می‌کنیم و همچنین توان دوباره ساختن چهارچوب‌های ذهنی است. در این مهارت که با ممارست و تمرین و استفاده از راهنمایی‌های مشاور به دست می‌آید، مراجع (مربی) باید بتواند با خود مداخله‌گری نقادانه و خلاق از رفتار، تصمیم‌ها و تجربیات خود، چهارچوب‌های ذهنی را تحت تأثیر قرار دهد (راب، ۱۳۹۸؛ Sulavikova، ۲۰۱۴).

در جدول پیش رو سعی شده با برشماری برخی اسارت‌های مربی، ویژگی‌های مربی برانگیزاننده را بیان نماییم.

اسارت‌های مربی	مربی برانگیزاننده	نگاه مربی برانگیزاننده به متری
بی تفاوت	حساس	تأثیرگذار دیدن اسارت‌های متری در کل جریان هستی او (صفایی حائری، ۱۴۰۲)
به پای داشتن	به پا ایستادن	زمینه‌ی انتخاب را فراهم نمودن ^{۳۳}
بخشش	جوشش	زیر و رو کردن درون ^{۳۴}
مقلد بار آوردن	فکرپروری	حرکت دادن فکر ^{۳۵}

^{۳۲} هرگونه تربیتی که با انتخاب خود فرد همراه نباشد، مسخ اوست و عامل نفی انسان و باعث عصیان او می‌شود.

^{۳۳} فراهم نمودن زمینه‌های انتخاب با عنوان آزادی دادن در این نوشتار مورد تأکید است که به معنای نشان دادن چند راه به متری می‌باشد نه یک راه، حتی اگر آن

راه بهترین راه از نگاه مربی باشد (صفایی حائری، ۱۴۰۲؛ لاهو، ۱۳۹۹)

^{۳۴} "ما افراد را مثل استخری به آب بسته ایم به جای آنکه همچون چشمه ای کاویده باشیم." (صفایی حائری، ۱۳۸۱، ص ۱۵ و ۱۶)

^{۳۵} مربی برانگیزاننده با شخصیت دادن به رسمیت شناختن استقلال و پرورش فکر به دنبال سازندگی متری است. مربی با استفاده از تلقین، تکرار، تمرین، عادت و....

مربی را مقلد و با حرکت دادن فکر، متری را به درون کاوی دعوت می‌نماید (صفایی حائری، ۱۳۸۲)

تکامل استعدادها	جهت‌دهی به استعدادهای تکامل یافته	رساندن به خودراهبری
لذت‌جویی (خوشی)	عمل به وظیفه (خوبی)	شناساندن اولویت عمل به وظیفه ^{۳۶}
انتظار	حرکت	در جریان بودن به جای منتظر اقدام دیگران بودن (صفایی حائری، ۱۴۰۱)
من و دیگری	ما	حس همراهی دادن به مرتبی در حرکت (صفایی حائری، ۱۴۰۲)
مربی محوری	حق محوری	خدا را دیدن و به خدا رساندن ^{۳۷}
تنوع	تحرك	به حرکت واداشتن ^{۳۸}
مسخ کردن	ساختن	ریشه دادن در مقابل شاخ و برگ دادن (صفایی حائری، ۱۴۰۲)
استدلال	سوال	سوالات اساسی پرسیدن ^{۳۹}
شنیدن همدلانه	شنیدن زایا	کمک به زایش دوباره‌ی باورها و اندیشه‌ها (صفایی حائری ۱۴۰۲؛ راب ۱۳۹۸)
عذرتراشی	پذیرش	در نظر گرفتن پیرامون منحصر به فرد مرتبی ^{۴۰}

^{۳۶} صفایی حائری شناخت و ظایف را منوط به شناخت استعدادها و توانایی‌های فرد می‌داند. ایشان در این باره توضیح می‌دهد که با شناخت استعدادها انسان خواهان رشد خود است نه آن که بخواهد استعدادها یا دارایی‌هایی همچون علم، قدرت یا ثروت را زیاد کند که اگر بخواهد استعدادها را رشد و تکامل دهد، در واقع او خواهان دامن زدن به اسارت‌های گوناگون خود است و پایانی برای آن نیست. (طرف خوشی را گرفتن) ولی اگر در راستای تکامل استعدادها، خواهان رشد خود باشد (یعنی طرف خوبی را گرفتن) و به این منظور در راستای استعدادها و دارایی‌های خود، وظایفش را بجوید و سعی کند به استعدادها جهت داده و از آنها به خوبی بهره بردارد و به این ترتیب از اسارت‌ها رها شود (صفایی حائری، ۱۴۰۲)

^{۳۷} مربی برانگیزاننده به جای آن که مرتبی را درگیر خود کند، به دنبال معطوف نمودن توجه او به خدا است (صفایی حائری، ۱۴۰۲)

^{۳۸} پله‌ها را زیر پا گذاشتن، تحرك است و در یک پله چند جور ایستادن، تنوع می‌باشد (صفایی حائری، ۱۴۰۲)

^{۳۹} مربی برانگیزاننده، ذهن مرتبی را با استدلال‌های دیگران سنگین نمی‌کند (صفایی حائری، ۱۴۰۲) در مشاوره‌ی فلسفی تکنیک‌های پرسش پرسشی به مراجعان جهت بررسی تفکرات خود و به دست آوردن وضوح کمک می‌کند (Sulavikova، ۲۰۱۴). پرسش کردن و پرسش داشتن به ویژه از خود، دروازه‌ی ورود به جریان تفکر است که فکر انسان را بارور می‌سازد (دیباواجاری، ۱۳۹۶)

^{۴۰} مربی برانگیزاننده، شرایط، اقتضانات و ظرفیت‌های جسمی و روحی مرتبی را می‌پذیرد و با در نظر گرفتن آنها به طراحی جریان تربیت می‌پردازد.

آنچه گذشت تقابلی از ویژگی‌های مربی درگیر با اسارت‌ها و مربی برانگیزاننده بود. موارد ذکر شده نه همه جایی و نه محدود به این موارد هستند. نکته‌ی حائز اهمیت این است که اسارت‌های معلم همچون اسارت‌های سایر شئون در جامعه‌ی انسانی، با خودنگری فرد روشن می‌گردد.

نتیجه‌گیری، بحث و پیشنهادات

تقریر جایگاه مربی با استفاده از کاربرست مشاوره‌ی فلسفی و بیانات استاد علی صفایی حائری با عنوان مربی برانگیزاننده به منظور رساندن متربی به خودراهبری، در این نوشتار مورد تأکید قرار گرفت. تقویت خودراهبری به عنوان مهمترین هدف مربی برانگیزاننده، ضمن فراهم نمودن زمینه‌ی انتخاب‌های عاقلانه، متربی را در اجتناب از انتخاب‌های از روی عادت، کمک می‌نماید و به او توانایی حل مشکلات معین و اندیشیدن نقادانه را می‌دهد. بنابر آنچه گفته شد، اسارت‌های درونی و بیرونی از جمله مهمترین عوامل محدودیت انسان به شمار آمده که به طور کلی پیرامون فرد را شکل می‌دهد و برای رهایی از پیرامون و فراروی از این زندگی محدود، لازم است فرد با همراهی مربی راه رفته به تأمل فلسفی بپردازد. طی مسیر تأمل فلسفی با عنوان حرکت مورد بحث قرار گرفت و طی مراحل زیر برای نیل به این منظور پیشنهاد گردید:

- ۱- شناخت عظمت وجودی خود: در این مرحله، فرد ضمن شناسایی استعدادها و دارایی‌های خود، به خودسازی و درون‌نگری دست می‌یابد. این شناخت از طرفی در فرد اشتیاقی به حرکت ایجاد می‌کند و از طرفی دیگر در مقام مربی او را واقف به وظایف و مسئولیت‌های خود در قبال متربی می‌گرداند.
- ۲- شناخت محبوب: تنها به خاطر محبوب است که فرد می‌تواند از محبوب‌های گذشته‌ی خود دست بردارد.
- ۳- دستگیری از دیگران: فردی که خود حرکت کرده و به تأمل فلسفی پرداخته، در این مرحله می‌تواند از دیگران نیز دستگیری کند. با استفاده از روش‌هایی چون طرح سوالات اساسی، شنیدن زایا و... او را به تدبیر، تفکر و سپس تعقل وادار می‌دارد و از شناخت حاصل شده، اشتیاقی در فرد ایجاد می‌شود که در صورت همراهی مهارت و ورزیدگی منجر به عمل می‌گردد.

از مربی با عنوان معلم در پژوهش‌های گوناگون از زوایای مختلف یاد شده است. با نگاهی بر پژوهش‌های مرتبط با این نوشتار به مواردی از جمله سند برنامه درسی (۱۳۸۹) که به نقش مشاور بودن معلم اشاره نموده؛ سند تحول راهبردی که بر نقش پرسشگری در فرآیند یادگیری تأکید نموده (مهرمحمدی و همکاران، ۱۳۸۸). دیدن مشاور به عنوان روان درمان‌گر (شرف، ۱۴۰۰) و معلم تحول آفرین نیز تا حدودی نزدیک به عنوان مربی برانگیزاننده است. البته ذکر تفاوت این نگرش‌ها با مربی برانگیزاننده به فهم و تعمیق بیشتر ویژگی‌هایی که مربی در جریان هدایت متربی باید کسب نماید، راه‌گشاست که در این نوشتار نمی‌گنجد.

منابع

بحار الانوار

نهج البلاغه

- بی.راب. پیتر.(۱۳۹۸). *مشاوره ی فلسفی: نظر و عمل*، ترجمه: علی علوی نیا، تهران: فراروان.
- پورآقا، مریم؛ فائدی، یحیی؛ آن پیلگرن و سعید ضرغامی.(۱۳۹۶). تمایز و تشابه مشاوره ی فلسفی با رویکرد عقلانی-عاطفی الیس.
- نشریه مطالعات روانشناسی تربیتی**، ۱۴ (۲۸)، ۴۸-۲۱.
- دیباواجاری، مریم.(۱۳۹۵). بررسی جایگاه پرسش و نقش آن در مشاوره فلسفی،زمینه ای نو برای پژوهش در مسایل تربیتی. *پژوهش-های تربیتی*، ۳ (۳۳)، ۹۵-۷۸.
- شرف، رهام.(۱۴۰۰)؛ تبیین ضرورت به کارگیری مشاوره ی فلسفی در معنا درمانی؛ *نشریه پژوهش های فلسفی*، شماره ۳۴
- صفایی حائری، علی.(۱۴۰۱). *حرکت*. قم: لیله القدر.
- صفایی حائری، علی.(۱۴۰۲). *مسئولیت و سازندگی*. قم: لیله القدر.
- صفایی حائری، علی.(۱۴۰۱). *تربیت کودک*. قم: لیله القدر.
- صفایی حائری، علی.(۱۳۸۲). *انسان در دو فصل*. قم: لیله القدر.
- صفایی حائری، علی.(۱۳۸۱). *روش برداشت از قرآن*. قم: لیله القدر.
- قراملکی، احد فرامرزی؛ ناسخیان، علی اکبر.(۱۳۹۵). *قدرت انگاره*. قم: نشر مجنون.
- لاهاو، ران.(۱۳۹۹). *به در آمدن از غار افلاطون*، ترجمه: علی علوی نیا، تهران: فراروان.
- مهرمحمدی وهمکاران.(۱۳۸۸). *سند راهبردی تحول در تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران در افق چشم انداز برنامه ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (طرح جامع تحول بنیادین برنامه های درسی و تربیتی)*(۱۳۸۹).

Fischer, E. (۲۰۱۱). How to practise philosophy as therapy: Philosophical therapy and therapeutic philosophy. *Metaphilosophy*, 42(۱-۲), ۴۹-۸۲.

Gouleta, E. (۲۰۰۶). Improving teaching and learning: A counseling curriculum model for teachers. *Vistas Online*, ۱۱۳-۱۱۶.

Lahav, R. (2011). *What is Deep Philosophy?: Philosophy from Our Inner Depth*. Loyev books

Lahav, R. (2018). *Philosophical Contemplation: Theory and techniques for the Contemplator*. Loyev Books.

Šulavíková, B. (2011). Key concepts in philosophical counselling. *Human affairs*, 24(1), 14-23.